



## آشاره

عادت کرده بودیم که یک سال تمام سکوت کنیم تا شهریور ماه و سالروز تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا برسد. هفته بانکداری اسلامی و همان کلیشه مکرر. اما برگزاری دو گردهمایی در ابتدای سال جاری باعث شد که این عادت بشکند:

۱) برگزاری سومین مجمع عمومی هیات خدمات مالی اسلامی (IFSB) در اواسط فروردین ماه در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، که گزارش آن را در همین شماره خواهید خواند.

۲) برگزاری همایش بررسی نقش و جایگاه سیستم بانکی که پس از اجلاس اول توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی برگزار شد. گزارشی از این همایش را نیز در همین شماره ملاحظه می‌فرمایید.

به نظر می‌رسد که موضوع بانکداری اسلامی برای یک مجله تخصصی بانکی - اقتصادی آقدر جدی هست که در هر سال دو بار به آن بپردازیم.

یک قصه بیش نیست غم عشق و ای عجب از هر زبان که می‌شنوم، نامکرر است

بانک و اقتصاد

# مسلمانی ز سر گیرید!

محمد حسین دانایی

دوباره این تعارضها لازم به توضیح است که بانکداری سنتی یا ربوی رایج در عالم، به طور کلی، یک پدیده وارداتی است و بانکها نیز از جمله موسسات تمدنی جدیدی بشمار می‌روند که از زمان ورودشان به ایران، صد سال هم نگذشته است. وظیفه اصلی این پدیده وارداتی، همانا واسطگی و جوه، و هدفش هم کسب سود بیشتر از طریق دریافت بهره است. بدیهی است که انگیزه کسب سود بیشتر نیز موضوع رقابت را به عنوان استخوان‌بندی اصلی سیستم بانکی - هم در قلمرو داخلی و هم در بازارهای بین‌المللی - مطرح می‌کند. بدون تردید، ایفای آن وظایف و تحقق آن اهداف، مستلزم به کارگیری ابزارهای مناسبی است که هم‌اکنون در سیستم بانکی ربوی بیشتر کشورهای جهان به کار گرفته می‌شوند و کارآمدی آنها هم مورد تایید همگان است. اما تکانه‌های بعد از انقلاب ایران این اساس را به هم ریخت، یعنی از یک طرف، دولتی شدن و ادغام بانکها زمینه رقابت را از بین برد و از طرف دیگر هم منع و حذف ربا از عملیات بانکی، جسم و جان بانکداری سنتی را دگرگون کرد و موجود تازه‌ای را معرفی کرد که هم وظیفه‌اش یا بانکداری سنتی متفاوت است و هم هدفش. این موجود تازه حتی نمی‌تواند نسل بعدی همان پدیده اولیه وارداتی بشمار آید، بلکه چیزی است کاملاً متفاوت. بنابراین، برقراری وظایف و

صنعت بانکداری ایران در جریان پیروزی انقلاب چند بار به‌طور جدی تکانیده شد:

تکانه اول، ملی‌شدن بانکها بود که در عمل، هم مالکیت و هم مدیریت بانکها را در اختیار دولت گذاشت، لذا مفهوم ملی‌شدن به‌زودی جای خود را به دولتی‌شدن داد تا بدین ترتیب، سیستم بانکی کشور به تسخیر کامل دولت درآمد.

تکانه دوم، ادغام بانکها بود که ساختارهای قبلی را منهدم کرد و ریخت و قواره تازه‌ای را برای سیستم بانکی تدارک دید. تکانه سوم هم حذف ربا از عملیات بانکی و ظهور بانکداری اسلامی بود که هم مبانی و اهداف و مفاهیم و مضامین تازه‌ای را به صحنه آورد و هم قواعد و روش‌هایی را با اسم عقود اسلامی مطرح کرد.

یکی از این تکانه‌ها هم کافی بود تا کل نظام بانکی را با بحران و ناکارایی روبرو کند، ولی اگر این طشت از بام نیفتاد، یا اگر هم افتاد، کسی از آن بویی نبرد، به خاطر خاصیت جادویی دولتی‌بودن است. درواقع، اتصال منابع بانکها و منابع دولتی به یکدیگر، جلوی انفجارهای محتمل در دو سوی این معادله را گرفت. اما ریشه تعارضها همچنان در آب مانده، سوال‌های مقدر باقی است و بحران‌ها نیز منتظر فرصت هستند. غفلت از این واقعیات هم یک گناه بی‌لذت خواهد بود.

ملی‌شدن بانکها موجبی بود برای تسخیر کامل سیستم بانکی توسط دولت.



اهداف جدید برای بانکداری بدون ربا نیز به سهم خود ایجاد می‌کرد که ابزارها و سازوکارهای مناسب برای آن تعریف و تعبیه شود تا بتواند به مرحله بلوغ و تجلی برسد، لیکن این وظیفه به خوبی و کمال ادا نشد و در نتیجه، سیستم بانکی تازه ابتر ماند و قالب و محتوای آن گرفتار نوعی ناهمخوانی و ناسازگاری شد. ناکارایی‌های بعدی این نظام هم از جمله عوارض همین ناموزونی‌هاست.

اینک مدتی است که امتداد کسالت‌بار این ناموزونی‌ها و تعارضات و فقدان حساسیت مسوولان و عدم پاسخگویی علمی به سوال‌های مقدر - چه از سوی مراجع فقهی ذیصلاح و چه از سوی صاحب‌نظران علوم اقتصادی و بانکی - باعث افزایش تحریک‌پذیری جامعه شده و تقریباً همه از این جو پرابهام و غیرشفاف و عملکردهای صوری و متظاهرانه و خودفریبی و دیگر فریبی کلافه شده‌اند، هم مشتریان بانک‌ها - اعم از سپرده‌گذاران و گیرندگان تسهیلات - هم کارکنان و مدیران متدین بانک‌ها، هم نمایندگان مردم در مجلس و هم کسانی مثل مدیران بانک مرکزی که خود اولین کارگزار مسوول این گردونه هستند. معترضان عمومی گروه اول و دوم فراوانند و نیازی به معرفی نمونه و استشهاد نیست، اما برای دو مورد آخری نمونه‌های خاص می‌آوریم:

- حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم که عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی و از مبلغان جدی اقتصاد اسلامی است، در یک گفتگوی مطبوعاتی<sup>(۱)</sup>، ضمن تأکید بر این که ریشه عدم تحقق اقتصاد اسلامی، اندیشه حاکم بر صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران و مدیران ارشد اقتصادی است، چنین توضیح می‌دهد: «این عامل موجب شده است که اگر در قانون اساسی یا قوانین عادی ما مفاهیمی از اقتصاد اسلامی مطرح شده، عملاً به چیز دیگری تبدیل شده است، چرا که آن اندیشه حاکم بر اقتصاد، فرهنگ مناسب خودش را در جامعه اشاعه داده است.» وی سپس به عنوان مثال، به حوزه بانکداری روی می‌آورد و می‌گوید: «مثلاً الان ما در بانکداری یکی از راهکارهای جذب منابع مالی را حساب پس‌انداز قرض‌الحسنه قرار داده‌ایم.» بعد می‌پرسد: «آیا واقعاً این حساب با روح قرض‌الحسنه در اسلام سازگاری دارد؟» و خودش جواب می‌دهد: «به نظر من ندارد.»

این آقا در ادامه انتقاد از سیستم بانکی می‌افزاید: «وقتی بانکداری ما شبیه بانکداری ربوی با نرخ بهره بالا عمل می‌کند و [عملکرد] بازار هم واکنش به همین رویکرد است، بنابراین، فرهنگ عمومی اقتصادی حاکم بر جامعه هم تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد.»

وی در ادامه این مصاحبه، یکی دیگر از ریشه‌های عدم تحقق اقتصاد اسلامی را چنین معرفی می‌کند: «از طرف

دیگر، مفهوم اقتصاد اسلامی توسط علمای اسلامی آنچنان تبیین نشده است که اینها بتوانند آن را در مقام عمل محقق کنند و به همین دلیل، می‌روند سراغ چیزی که پیش از این رایج و شایع بوده است.»

- نمونه دیگر از اعتراف مسوولان به وجود ابهام و تیرگی در فضای بانکداری امروزان، نظریات دکتر ابراهیم شیبانی، رئیس کل بانک مرکزی است. این مقام در اسفند ماه گذشته، طی بخشنامه‌ای خطاب به مدیران عامل بانک‌ها و موسسات اعتباری اعلام می‌کند: «مفاهیم عقود اسلامی در بانک‌ها برای سپرده‌گذاران درست تبیین نمی‌شود... و لذا عده‌ای [فقط] برگه‌ای را امضا می‌کنند.» وی سپس تأکید می‌ورزد که: «لازم است هنگام دریافت سپرده و یا اعطای اعتبار، به خوبی مفاهیم وکالت یا عقود اسلامی برای مشتریان بانک روشن شود و باحوصله، این تعالیم و مفاهیم منتقل شود.»<sup>(۲)</sup>

واقعیت این است که جامعه از اینهمه «عدم تبیین‌های ملال‌آور و راه‌رفتن تردیدآمیز در میان مه و دود خسته شده است. اهمال در رفع اشکالات شرعی و پاسخگویی از سوی مسوولان اجرایی را به هیچ عاملی نمی‌توان تأویل کرد مگر عدم احساس مسوولیت و کم‌کاری و راضی شدن به گذران روزمره امور به شیوه «باری به هرجهت»، کما اینکه رئیس جمهور کشورمان هم در روز ۲۱ فروردین ۱۳۸۴ و در جریان افتتاح «همایش نقش و جایگاه نظام بانکی» ضمن ذکر خیری از مرحوم دکتر نوربخش، می‌گوید: «در ابتدای شروع به کار دولت، من از دوست و شخصیت گرانقدر، مرحوم دکتر نوربخش خواستم که با توجه به تجربه چند سال نظام بانکداری بدون ربا در کشور، مطالعات جامعی را آغاز کند که متأسفانه اجل به ایشان مهلت نداد و نتوانستیم آن را پیگیری کنیم.»<sup>(۳)</sup> این مقام سپس با رها نیدن شانه خود از زیر بار مسوولیتی که طی هشت سال اخیر بر زمین مانده، و تنها علت موجه آن هم «اجل است»، اظهار امیدواری می‌کند که «دولت بعدی آن را پیگیری کند!»

دکتر ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر پیشین مالزی که یک مقام غیرروحانی است، در مقاله‌ای که در مجله Far Eastern Economic Review چاپ شده، می‌گوید: «مخمسه کنونی ما، تقدیری الهی نیست، بلکه کاملاً محصول رفتار خودمان است. ما آموزه‌های اسلام را نادیده گرفته و بد تعبیر کرده‌ایم و برای چاره‌جویی نیز صرفاً متکی بر دعا به درگاه خداوند هستیم، درحالی که خداوند در قرآن فرموده‌اند که پیش از آن که او به یاریمان بیاید، خودمان باید به داد خود برسیم.»<sup>(۴)</sup> وی در همین مقاله به نکته دیگری می‌پردازد که کاملاً منطبق با نحوه عملکرد ما در حوزه بانکداری بدون رباست: «مشکل از آنجا ناشی می‌شود که گرایش غالب مسلمانان، تأکید و تکریم شکل و صورت امور، به جای مضمون و محتوای آنهاست و در نتیجه، به

■ ■ ■  
 امتداد کسالت‌بار ناموزونی‌ها و تعارضات و فقدان حساسیت مسوولان و عدم پاسخگویی علمی به سوال‌های مقدر، باعث افزایش تحریک‌پذیری جامعه شده و تقریباً همه از این جو پرابهام و غیرشفاف و عملکردهای صوری و متظاهرانه و خودفریبی و دیگر فریبی کلافه شده‌اند.  
 ■ ■ ■



یافت، و در عین حال، با فاصله اندکی از آغاز فعالیت‌های نظام بانکی مبتنی بر عقود اسلامی و مشاهده کارکرد این سیستم، صاحب‌نظران هم به چند دسته تقسیم شدند: گروهی از صاحب‌نظران اصولاً جمع بین بانکداری و اسلامیت را غیرممکن می‌دانند و معتقدند که اضافه کردن صفت یا قید "اسلامی" بر پدیده بانکداری، یک وصله ناجور، یک دروغ و یک کلاه شرعی است که هم صنعت بانکداری را ناکارآمد می‌کند و به ورشکستگی می‌کشاند و هم آبروی اسلام و آموزه‌های انسانی و عدالت‌خواهانه آن را می‌برد. بنابراین، بهتر است که این دو پدیده ناسازگار را از قید یکدیگر رها سازیم و اجازه دهیم که هر یک در فضا و ساحت مطلوب خویش به نقش آفرینی‌های ویژه بپردازند. گروه دیگر که در سوی دیگر طیف قرار گرفته‌اند، معتقدند که حذف ربا از عملیات بانکی و پیشنهاد شیوه جدیدی به نام بانکداری اسلامی، به تحقیق اکسیر شفابخش و "آخرالدواء" ملل مسلمان و حتی غیرمسلمان است و با اتخاذ این شیوه، تمام برکات و حسنات دو عالم به صورت شش‌دانگ نصیب مردم خواهد شد. این گروه به راحتی و خوش‌آوارانه تبلیغ می‌کنند که از طریق اجرای ضوابط بانکداری بدون ربا، هم نابرابری‌ها از بین خواهند رفت و هم اهداف توسعه‌ای محقق می‌شوند و سطح رفاه عمومی نیز افزایش خواهد یافت. و اما گروه سومی هم در میانه هستند که معتقدند بانکداری اسلامی در حدی که تاکنون عرضه شده، تنها یک حرف زیبایی ناتمام است. و به همین علت است که بعد از بیست سال، و در شرایطی که جزایر و بنادر حاشیه‌ای همچون بحرین و سنگاپور و مالزی مدعی برپایی کانون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مبادلات پولی و سرمایه‌ای به شیوه اسلامی شده‌اند، ما هنوز در بدیهیات مانده‌ایم و سوالات بنیادینی که می‌توانند سرنوشت بانکداری اسلامی و نظام اسلامی و جامعه اسلامی را در برهه‌ای از تاریخ رقم بزنند، همچنان بی‌جواب مانده‌اند:

- آیا اسکناس مالیت دارد یا ارزش آن اعتباری است؟

- آیا کاهش قدرت خرید پول ناشی از تورم را باید جبران کرد یا نه؟ چنانچه وضعیت رکودی بود و قدرت خرید پول افزایش یافت، چه باید کرد؟

- آیا بهره بانکی یا سود، همان ریاست؟ چه تفاوت یا

تشابهی میان ربا و نرخ بهره یا سود بانکی وجود دارد؟

- آیا وجود تورم، می‌تواند دریافت و پرداخت بهره را توجیه کند؟ چه کسی باید به این سوال‌ها پاسخ آخر را بدهد (۷)؟ پاسخ اقتصاددانان در این زمینه‌ها تقریباً روشن است و آنچه باقی می‌ماند، فتوای فقهاست. در واقع، چنانچه فقهای ما استدلال اقتصاددانان را مثلاً درباره لزوم جبران کاهش قدرت خرید پول بپذیرند و آن را جایز بدانند، آنگاه تصویر جدیدی از بانکداری غیرربوی خواهیم داشت، و آنگاه توبت بانکداران خواهد شد تا در

عنوان مثال، حکم اسلام در مورد پوشش بدن، به پوشیدن لباس عربی ترجمه می‌شود و سایر انواع لباس - یا وجود پوشاندگی بدن - بی‌ارزش و غیراسلامی تلقی می‌شود، یا این که توصیه اسلام به کسب دانش، صرفاً به فراگیری علوم اسلامی تفسیر می‌شود. (۴)

نمونه‌ای از کارهایی که مرحوم دکتر نوربخش در زمان حیاتش بدان‌ها اهتمام می‌ورزید و گروهی از کارشناسان زبده را بدان امور گماشته بود، موضوع بررسی امکان تعهدی کردن درآمد تسهیلات اعطایی در بانکداری بدون ربا بود. توضیح این که، در بانکداری جاری ایران، تعیین سودهای ناشی از عملیات بانکی بدون ربا، براساس روش نقدی، یعنی پس از وصول سود انجام می‌گیرد. این نحوه عمل حتی در مورد معاملاتی که بالقوه دارای مشخصات تعهدی می‌باشند - مانند انواع فروش‌های اقساطی و اجاره به شرط تملیک - نیز به لحاظ ملاحظاتی که عمدتاً ناشی از نقص قوانین مالیاتی است، به روش نقدی انجام می‌گیرد، اما برعکس درآمدها، در حال حاضر، هزینه‌های بانک‌ها به روش تعهدی تعیین و در حساب‌های هر سال منظور می‌شود. بدیهی است که این امر هماهنگی و انطباق بین درآمدها و هزینه‌های یک دوره را از بین برده و سیستم ناسازگاری را به وجود می‌آورد که نه نقدی است و نه تعهدی. بنابراین، در زمان حیات دکتر نوربخش ضمن تجدیدنظر شکلی و محتوایی در صورت‌های مالی بانک‌ها، موضوع لزوم بازنگری در روش شناسایی درآمد بانک‌ها مورد توجه قرار گرفت و ضمن توجه به اصالت ماهیت شرعی عقود اسلامی، روش شناسایی درآمد در عقود مختلف مضاربه، مشارکت مدنی، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، جعاله، مشارکت حقوقی، سرمایه‌گذاری مستقیم و خرید دین تعیین شد. اما همانطور که رییس‌جمهور گفته است، افسوس که اجل این رشته را قطع کرد و اراده لازم برای پیگیری اینگونه موشکافی‌های کارشناسانه نیز فراهم نیامد.

حال این پرسش‌ها باقی است که آیا امروزه اینگونه مسایل به خوبی حل و فصل شده‌اند؟ و یا مسوولیت حل اینگونه امور از دوش بانک مرکزی برداشته شده است که دولت مسوولیت تاسیس صندوق ازدواج جوانان را به عهده بانک مرکزی می‌گذارد (۵)؟ اگر قرار است که بانک مرکزی به امور ازدواج جوانان بپردازد، پس چه نهادی مسوول تنظیم و اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری و حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی (۶) است؟

به هر حال، تردیدی نیست که از سال ۱۳۶۳ که قانون عملیات بانکی بدون ربا به صورتی فراگیر و اجباری به اجرا درآمد، دور تازه‌ای از حیات صنعت بانکداری ملی آغاز شد و ضربه‌آهنگ مبادلات پولی و پیامدهای اقتصادی آن روندی تازه

چنانچه فقهای ما استدلال اقتصاددانان را مثلاً درباره لزوم جبران کاهش قدرت خرید پول بپذیرند و آن را جایز بدانند، آنگاه تصویر جدیدی از بانکداری غیرربوی خواهیم داشت.



## پانویست‌ها

- ۱) خردنامه / ویژه‌نامه ضمیمه روزنامه همشهری / ۲۱ بهمن ۱۳۸۳ / صفحات ۱۲ و ۱۳.
- ۲) روزنامه آفتاب یزد / ۱۶ اسفند ۱۳۸۳ / صفحه ۴.
- ۳) روزنامه ایران / ۲۲ فروردین ۱۳۸۴ / صفحه اقتصادی.
- ۴) بازگشت به اصل اسلام / ترجمه محمود اسماعیل‌نیا / روزنامه ایران / ۱۵ اسفند ۱۳۸۳ / صفحه دیپلماتیک.
- ۵) روزنامه ایران / ۲۳ فروردین ۱۳۸۴ / صفحه ۴.
- ۶) از ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور / مصوب ۱۴ تیر ۱۳۵۱.
- ۷) نمونه‌ای از این پرسش‌ها و پاسخ‌ها در شماره قبلی و شماره فعلی همین مجله آمده است.

گام نخست، به ادبیات این حوزه تخصصی بپردازند، یعنی واژه‌ها را به دقت بازتعریف کنند و بعد هم تعاریف را استاندارد کنند. در گام بعدی نیز بسیاری از دستورالعمل‌ها و روش‌های فعلی کار را مورد بازنگری و تعدیل و تصحیح قرار دهند تا به تدریج غبارهای ابهام‌آفرین فرونشینند و دور تازه و هوشمندانه‌ای از بانکداری بدون ربا آغاز شود. به قول جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی:

مسلمانان، مسلمانان، مسلمانان زسر گیرید

که کفر از شرم یار من، مسلمانوار می‌آید

## قانون بانکداری بدون ربا و بهره‌های بانکی

دکتر محمود جامساز

شیوه استدلال - اما در جهت معکوس - در خصوص تسهیلات‌گیرندگان نیز قابل تسری است. بدیهی است از آنجایی که حیات هر نظام اقتصادی به جریان پولی و اعتباری آن نظام وابسته است و بانک‌ها در واقع تجهیزکننده منابع سرمایه‌گذاری‌ها و طرح‌های مولد، از محل پس‌انداز خرد جامعه هستند و در توسعه اقتصادی کشور نقش اساسی را ایفا می‌کنند، لذا هیچ نظام اقتصادی‌ای بدون شبکه کارآمد بانکی قادر به پویایی و بالندگی نیست. بدین جهت نظام جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب که در بُعد اقتصادی به یک نظام اقتصاد سلطه دولتی تبدیل شد، با ادغام بانک‌های ملی شده در شش بانک تخصصی و چهار بانک تجاری به حفظ آنها پرداخت، اما بسیاری از ابزارهای متنوع بانکی را که قابل انطباق با اصول فقهی و حقوقی شریعت نبود، حذف کرد و معاملات بانکی را به عملیات منطبق بر عقود اسلامی محدود نمود، که با توجه به تحولات شگرفی که در تجارت و اقتصاد بین‌الملل پدید آمده است، پاسخگوی نیاز کنونی کشور نبوده، و مشکلات عمده‌ای را در فرایند خدمات بانکی به‌وجود آورده است، که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان امور پولی و بانکی و اقتصادی و عالمان فقهی، نیازمند به بازنگری جدی است. مضاف آن که، مفهوم شراکت در بانکداری بدون ربا، مفهومی صوری است و بانک‌ها سودسپرده‌گذار را به صورت مبلغ علی‌الحساب تضمین‌شده‌ای از پیش تعیین می‌کنند و احتمالاً در پایان سال و پس از مشخص شدن سود قطعی، مابه‌التفاوت را

عملکرد بانک‌ها به شیوه غربی، همواره مورد ایراد فقها و متشرعین بوده است، زیرا عامل بهره در نظام بانکداری از مصادیق ربا تلقی می‌شده که در شرع انور به شدت نهی و ممنوع گردیده است. به همین سبب، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ملی‌شدن بانک‌ها به تدریج احتساب و دریافت بهره بانکی از انواع تسهیلات - اعم از اعتبارات و وام‌ها - حذف شد و در عوض کارمزد بانکی و سود تضمین‌شده جایگزین آن گردید. و در سال ۶۲ هم قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب و به دولت ابلاغ شد تا عملیات بانکی بر موازین شرع مقدس منطبق شود و از فرایند ربا فاصله بگیرد. بر این اساس، از یک سو، سپرده‌گذاران باید به میزان سپرده‌گذاری خود در سود و زیان بانک‌ها شریک باشند و از سوی دیگر، بانک‌ها باید در سرمایه‌گذاری‌ها با استفاده‌کنندگان از تسهیلات مشارکت نمایند و در سود و زیان نیز به نسبت آورده خود سهیم شوند. لذا اساس کار بانکداری اسلامی بر مشارکت بانک با مشتریان خود قرار گرفت و هر نوع عملیات بانکی، خارج از مکانیسم عقود اسلامی ممنوع شد. توجه نحوه اشتراک بانک با مشتری - مثلاً سپرده‌گذار - بدینگونه است که وی با سپردن وجوه خود به بانک، دیگر مالکیتی بر وجوه خود ندارد، بلکه مالک نوعی دارایی فیزیکی متناسب با ارزش سپرده‌گذاری نزد بانک می‌باشد. سود این دارایی هم پس از کسر کارمزد بانک، به سپرده‌گذار پرداخت می‌شود. هنگام دریافت سپرده نیز سپرده‌گذار دارایی خود نزد بانک را به بانک می‌فروشد و وجه آن را دریافت می‌کند. همین

حذف بسیاری از ابزارهای متنوع بانکی و محدود کردن معاملات بانکی به عملیات منطبق بر عقود اسلامی، پاسخگوی نیاز کنونی کشور نبوده و مشکلات عمده‌ای را در فرایند خدمات بانکی به‌وجود آورده است.